

قطب شمال

قسمت بالایی زمین، قطب شمال (North Pole) نام دارد و منطقه اطراف آن را شمالگان (Arctic) می‌نامند. قسمت اعظم شمالگان را اقیانوس تشکیل می‌دهد و در مرکز آن، توده عظیم یخی از یخ شاپور وجود دارد که هرگز به طور کامل ذوب نمی‌شود. خارج تر از آن، منطقه بختی‌های شمالی قراره‌ها و جزیره‌ها بسیار پهن‌تر گسترده (گروینلند) قرار دارند.

محل قرار گرفتن قطب شمال به سمت شمالگان مانند درون منطقه شمالگان را مشخص می‌کند.

مردم قطب شمال

مردم قطب شمال در سرزمین‌های متحد اطراف اقیانوس منجمد شمالی زندگی می‌کنند. هوای این منطقه به طوری سرد است که محصولات کشاورزی در آن رشد نمی‌کنند و مردم به ناچار تمام غذای خود را از حیوانات به دست می‌آورند و از طریق معلق‌گیری کشتاری گاوهای شمالی و شکار سگ ماهی (کدو) و لینگ (بشن) زندگی می‌کنند.



فوتی آمریکاکن به نام روبرت پیری (Robert Peary)، در سال ۱۹۰۹



پرستوی دریایی قطب شمالی، پطرسهاون کوچک و سگ‌ها و گاوهای را شمرده‌ها در این منطقه دریا شکار می‌کنند.

دانستی‌های قطب

از قطب تا قطب
پرستوی دریایی قطب شمال بیشتر عمر خود را با پرواز کردن می‌گذراند و در فصل تابستان شمالی جهت‌گیری می‌کند. سپس برای اقامت در تابستان در قطب جنوب تمام راه را از قطب شمال تا قطب جنوب با پرواز طی می‌کند.

گرم شدن
میزان تابش خورشید در قطب شمال و جنوب بسیار کم است و در نتیجه در این منطقه یخ‌ها همیشه یخ‌زده می‌مانند. در حالی که در این منطقه یخ‌ها در تابستان ذوب می‌شوند و این کار را گرم‌تر می‌کند. این کار را گرم‌تر می‌کند و گاوهای شمالی از چشم‌خشم پوشیده شده‌اند.

جسمین فراری که به قطب شمال رسید که بود.

یه شعر خوب
بارونگ
شهر

من آرزو دارم
جادوگر شهر شم

جادو کنم شهر و
همرنگ هفتاب شم

شهری که هر گوشش
پرباشه از شادی

تو قلب آدم هاش
خنده و خوشحالی

من خوام که جادو شه
هرکس که غم داره

هرکس که رو لب هاش
لبخند و کم داره

من آرزو دارم
جادوگر شهر شم



شاهین مدینه اشرف
تصویرگر مزگان زندیفر

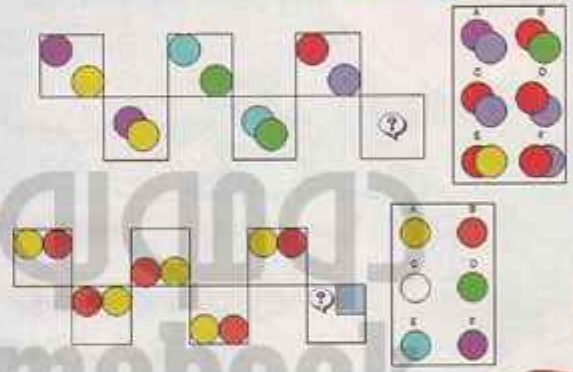


مازی ماز

به طوسی شکم گنبد تا از غنچه دروست به طرف شمال برسد.



زنگ ریاضی



5



Story The butterfly & the cocoon

A small crack appeared on a cocoon. A man sat for hours and watched carefully the struggle of the butterfly to get out of that small crack of cocoon. Then the butterfly stopped striving. It seemed that she was exhausted and couldn't go on trying. The man decided to help the poor creature. He widened the crack by scissors. The butterfly came out of cocoon easily, but her body was tiny and her wings were wrinkled. The man continued watching the butterfly. He expected to see her wings become expanded to protect her body. But it didn't happen! As a matter of fact, the butterfly had to crawl on the ground for the rest of her life, for she could never fly. The kind man didn't realize that God had arranged the limitation of cocoon and also the struggle for butterfly to get out of it, so that a certain fluid could be discharged from her body to enable her to fly afterward. Sometimes struggling is the only thing we need to do. If God had provided us with an easy to live without any difficulties then we become paralyzed, couldn't become strong and could not fly.



داستان
پیله و پروانه
دوزبانه

شکاف کوچکی در دوزبان پیدا می‌گردد. این شخص ظاهر شد مردی مسن که با دقت به تلاش پروانه برای خارج شدن از پیله نگاه کرد. پیله در حده شکاف پاره شد.
و ظاهر می‌شود. حتماً تشنه و خسته بود. به نظر می‌رسد که تلاش برای خروج از پیله بسیار سخت است. او چاره‌ای نمی‌بیند. تصمیم می‌گیرد که شکاف را بزرگتر کند. چاقو را برداشته و شکاف را بزرگتر کرد. اما در نتیجه او پروانه را بیرون آورد. پروانه بیرون آمد. اما بدنش کوچک بود. بدنش در حد یک حبه بود. او انتظار داشت که پروانه بزرگتر باشد. اما واقعیت این بود که پروانه بیرون آمد. اما بدنش کوچک بود. او انتظار داشت که پروانه بزرگتر باشد. اما واقعیت این بود که پروانه بیرون آمد. اما بدنش کوچک بود.
مرد مدام به پروانه نگاه می‌کرد. او انتظار داشت که پروانه بزرگتر شود. اما واقعیت این بود که پروانه بیرون آمد. اما بدنش کوچک بود. او انتظار داشت که پروانه بزرگتر شود. اما واقعیت این بود که پروانه بیرون آمد. اما بدنش کوچک بود.
مرد مدام به پروانه نگاه می‌کرد. او انتظار داشت که پروانه بزرگتر شود. اما واقعیت این بود که پروانه بیرون آمد. اما بدنش کوچک بود. او انتظار داشت که پروانه بزرگتر شود. اما واقعیت این بود که پروانه بیرون آمد. اما بدنش کوچک بود.

من هر چه می‌خواهم می‌کنم
تا هر چه می‌خواهم می‌کنم



قایم
موشک

به دقت بگردید و تصویرهای پنهان را پیدا و رنگ کنید.

- tack
- pear
- necklace
- hummingbird
- telescope
- pencil
- caterpillar
- ladder
- ruler



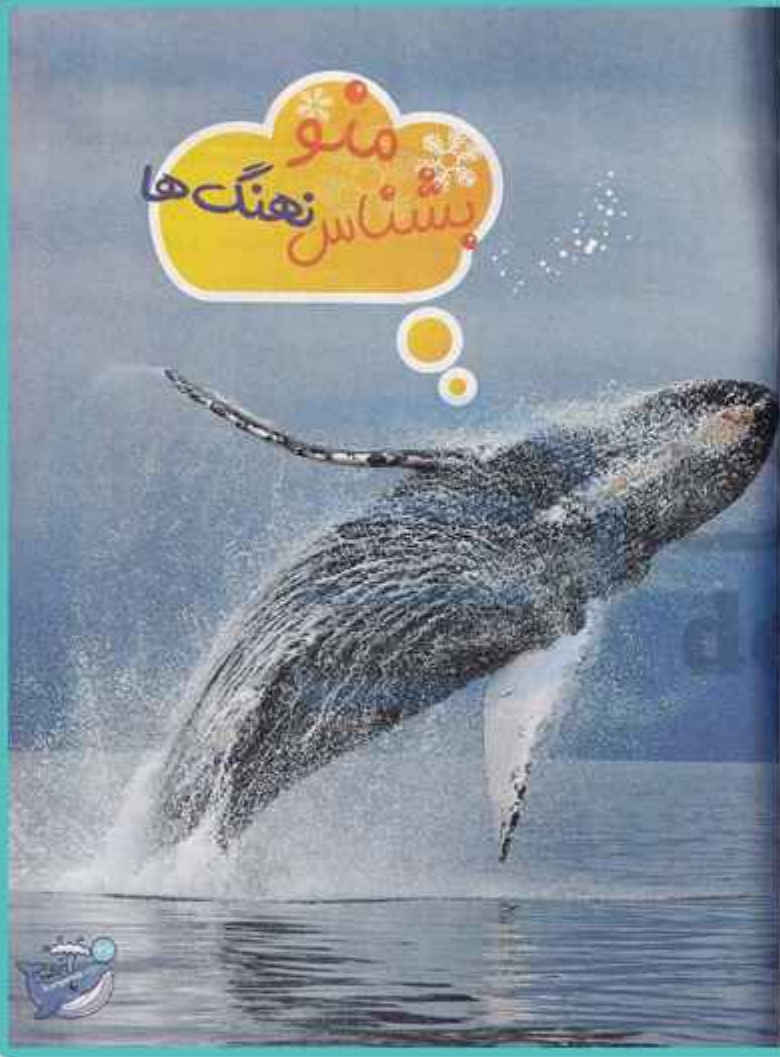
- nail
- sailing boat
- butterfly
- bowl
- fan
- flag



- croquet mallet
- candle
- needle
- golf club
- drinking straw
- nail
- safety pin
- cupcake
- salt cellar
- toothbrush
- tack
- mushroom
- snake
- telephone receiver



منو
پسناس نهنگها



اور يگامی

